



شما اینجا هستید: خانه (/index.php) ▶ درس خارج اصول ▶ مباحث الفاظ ▶
تقرير مباحث الفاظ (/index.php/تقریرات-خارج-اصول/مباحث-الفاظ/مبحث-الفاظ) ▶ مطلب ششم: آیا نهی از شیء مقتضی فساد است؟

مطلب ششم: آیا نهی از شیء مقتضی فساد است؟

بسم الله الرحمن الرحيم [1]

مطلب ششم: هل النهي عن الشيء يقتضي الفساد أم لا

مواردی داریم در عبادات و معاملات که لأجل قرینه خاصه یا عامه نهی ارشاد به فساد است، در این موارد فرض این است که نهی دال بر فساد است مثلاً در فقه اشاره کردیم که فقهاء می‌گویند نهی از شیء ضمن مرکب اعتباری ارشاد به مانعیت و فساد است مثلاً در روایت آمده است که لا ترتمس في الماء و أنت مائم. [2]

مواردی که به هر دلیل خود آقایان تصریح کرده‌اند که نهی ارشاد به فساد است چه در عبادات و چه در معاملات روشن است که محل بحث نیست بالأخره می‌گویند ارشاد به فساد است بلکه دلیل را میتوان نقد کرد اما میخواهیم بگوییم خلط نشود که دلیل اینجاها را هم شامل میشود.

یا در معاملات گفته میشود مواردی که نهی به عنوان معامله تعلق گرفته در این موارد نهی ارشاد به فساد است که باز این موارد محل بحث نیست مانند نهی النبي عن بيع الغرر که ارشاد به فساد است، اینجا محل بحث نیست.

محل بحث آنجا است که نهی به عنوانی تعلق گرفته است که یقین داریم نهی تکلیفی است و آن عنوان منطبق است بر یک عبادت یا معامله‌ای با اینکه نهی صرفاً تکلیفی است بحث این است که آیا نهی تکلیفی دال بر فساد هست یا نه، سه مثال می‌زنیم یک مثال نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر عبادت است و مثال دوم نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر ایقاع است و مثال سوم نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر یک عقد است. در هر سه بحث است.

مثال اول: نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر عبادت است

مثال اول: نهی داریم از اعتناء به وسوسه در امور عبادی [3] آقای زید نماز ظهرش را خواند دچار وسوسه شد که درست بوده یا نه؟ [4] مع ذلک از باب اعتناء به وسوسه نمازش را تکرار کرد، نماز دوم را که خواند کشف شد واقعاً نماز اولش باطل بوده است. اینجا نماز دوم مصداق اعتناء به وسوسه است و منهی عنه است که إنه من عمل الشيطان. اینجا بحث است که اگر نهی از عبادت دال بر فساد باشد معنایش این است که این نماز دوم باطل است و فاسد است برای بار سوم باید نماز ظهر بخواند و اگر نهی از عبادت دال بر فساد نبود با اینکه این نماز مصداق اعتناء به وسوسه است اما نمازش صحیح و مجزی است.

مثال دوم نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر ایقاع است

مثال دوم: در باب ایقاعات که زید نذر کرد همسرش را طلاق ندهد حنث نذر حرام تکلیفی است و زید حنث نذر کرد و همسرش را طلاق داد اگر عنوان نهی از معامله موجب فساد باشد یعنی این طلاق فاسد است و همچنان خانم زید زوجه او است و اگر نهی از این عنوانی که منطبق بر این ایقاع است دال بر فساد نباشد طلاق زید صحیح است اگر سایر شرائط هم باشد.

مثال سوم نهی تکلیفی از عنوانی که منطبق بر یک عقد است

مثال سوم: نهی داریم از بیع وقت النداء مسلماً نهی تکلیفی است که کار حرامی کرده است، اگر نهی از معامله دال بر فساد هم باشد یعنی بیع باطل است.

این مسأله را ضمن سه مرحله بررسی می‌کنیم:

1- تحریر محل نزاع و توضیح عنوان هل النهی عن عبادةٍ أو معاملهٍ یوجب الفساد أم لا؟

2- البحث عن النهی فی العبادات.

3- البحث عن النهی فی المعاملات.

[1]. جلسه 52، مسلسل 407، چهارشنبه، 94.11.07.